



دانشگاه علامه طباطبائی

پردیس آموزشهای نیمه حضوری

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته برنامه ریزی و رفاه اجتماعی

**عنوان : بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان در شهر
ایلام و ارائه ی راهکارها**

استاد راهنما: جناب آقای دکتر عزت الله سام آرام

استاد مشاور: جناب آقای دکتر جعفر هزارجریبی

دانشجو: سرور اسمعیلی

فهرست مطالب

عنوان صفحه

چکیده

فصل اول : کلیات تحقیق

1.....مقدمه

2 بیان مساله

4.....اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

4.....اهداف تحقیق

4.....فرضیه ها

5.....تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

فصل دوم : ادبیات تحقیق و پیشینه

7.....مقدمه

8.....مشارکت زنان در اشتغال

10.....تاریخچه اشتغال زنان در جهان

12.....اشتغال زنان در ایران

16.....اشتغال زنان در ایران در سرشماری سال 1385

18.....تلقی زنان از اشتغال

19.....	اشتغال غیر مستقیم زنان.....
21.....	کار خانگی
24	احتساب خانه داری به عنوان شغل.....
28.....	اشتغال و نقش های خانوادگی زنان
31.....	کار های مستقیم اقتصادی زنان
33.....	انگیزه ها و عوامل مؤثر در اشتغال زنان
34.....	عوامل بازدارنده زنان از مشارکت در اشتغال
37.....	تقسیم کار جنسی
42.....	دستمزد زنان
48.....	مبانی نظری موانع اشتغال
50.....	موانع اشتغال زنان در نظریه طبقات اجتماعی
53.....	تئوری نابرابری شغلی
55.....	موانع اشتغال زنان در دیدگاه توسعه
55.....	نظریه فقرزدایی
56.....	تئوری کار شایسته و ارتقای کار زنان.....

فصل سوم : روش شناسی تحقیق

66.....	مقدمه.....
66.....	نوع روش تحقیق
67.....	ابزار جمع آوری اطلاعات.....
68.....	روایی پرسش نامه.....
68.....	اعتبار پرسش نامه.....
68.....	روش ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها.....

فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده ها

70.....	مقدمه
70.....	توصیف یافته های تحقیق
79	آزمون نرمال بودن فرضیه های پژوهش
85.....	آزمون فرضیه های تحقیق

فصل پنجم : نتیجه گیری و پیشنهادات

93.....	مقدمه
94.....	تبیین و تفسیر یافته های تحقیق
95.....	نتیجه گیری و جمع بندی
98.....	پیشنهادات
98.....	پیشنهادات برای تحقیقات آتی
99.....	مشکلات و تنگناهای تحقیق
99.....	ملاحظات اخلاقی
100.....	فهرست منابع فارسی
109	ضمایم و پیوست

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول شماره 4-1 : توزیع میزان سن در نمونه مورد مطالعه	
جدول شماره 4-2 : توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب وضعیت تأهل	
جدول شماره 4-3 : توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب ازدواج فامیلی	
جدول شماره 4-4 : توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب داشتن فرزند	
جدول شماره 4-5 : توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب تعداد فرزندان	
جدول شماره 4-6 : توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب سابقه سکونت در ایلام	
جدول شماره 4-7 : توزیع نمونه مورد مطالعه و همسران آن ها بر حسب میزان تحصیلات	
جدول شماره 4-8 : توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب وضعیت اشتغال	
جدول شماره 4-9 : توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب نوع اشتغال	
جدول شماره 4-10 : توزیع نمونه مورد مطالعه و همسران آن ها بر حسب میزان درآمد	
جدول شماره 4-11 : شاخص های آماری مرتبط با بررسی تأثیر عقاید سنتی موجود در جامعه و وضعیت اشتغال زنان	
جدول شماره 4-12 : شاخص های آماری مرتبط با بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی زنان بر وضعیت اشتغال آن ها	
جدول شماره 4-13 : شاخص های آماری مرتبط با بررسی تأثیر تبعیض در امکانات بر وضعیت اشتغال زنان	
جدول شماره 4-14 : شاخص های آماری مرتبط با بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی زنان بر وضعیت اشتغال آن ها	

جدول شماره 4-15 : شاخص های آماری مرتبط با بررسی تأثیر فرهنگ مردسالاری در ایلام بر وضعیت اشتغال زنان

جدول شماره 4-16 : شاخص های آماری مرتبط با بررسی تأثیر میزان تحصیلات زنان در شهر ایلام بر وضعیت اشتغال آن ها

جدول شماره 4-17 : نتایج آزمون همبستگی پیرسون به منظور بررسی تأثیر عقاید سنتی موجود در جامعه و وضعیت اشتغال زنان

جدول شماره 4-18 : نتایج آزمون همبستگی پیرسون به منظور بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی زنان بر وضعیت اشتغال آن ها

جدول شماره 4-19 : نتایج آزمون همبستگی پیرسون به منظور بررسی تأثیر تبعیض در امکانات و وضعیت اشتغال زنان

جدول شماره 4-20 : نتایج آزمون همبستگی پیرسون به منظور بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی زنان در ایلام بر وضعیت اشتغال آن ها

جدول شماره 4-21 : نتایج آزمون همبستگی پیرسون به منظور بررسی تأثیر فرهنگ مردسالاری در ایلام بر وضعیت اشتغال زنان

جدول شماره 4-22 : نتایج آزمون همبستگی پیرسون به منظور بررسی تأثیر میزان تحصیلات زنان در شهر ایلام بر وضعیت اشتغال آن ها

جدول شماره 4-23 : بررسی آنالیز واریانس (ANOVA) تفاوت تأثیر متغیرهای مختلف بر وضعیت اشتغال زنان.

فهرست نمودارها

صفحه

عنوان

نمودار 4-1 :	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه های سنی
نمودار 4-2 :	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل
نمودار 4-3 :	توزیع فراوانی پاسخگویان بر مبنای ازدواج فامیلی یا غیر فامیلی
نمودار 4-4 :	توزیع فراوانی پاسخگویان بر مبنای داشتن فرزند
نمودار 4-5 :	توزیع فراوانی پاسخگویان در زمینه تعداد فرزندان
نمودار 4-6 :	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه سکونت در شهر ایلام
نمودار 4-7 :	وضعیت تحصیلی زنان شرکت کننده در تحقیق و همسران آن ها
نمودار 4-8 :	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال
نمودار 4-9 :	توزیع فراوانی پاسخگویان بر مبنای اشتغال در بخش دولتی یا خصوصی
نمودار 4-10 :	توزیع فراوانی پاسخگویان و همسران آن ها بر حسب میزان درآمد
نمودار 4-11 :	توزیع نرمال خرده مقیاس عقاید سنتی
نمودار 4-12 :	توزیع نرمال خرده مقیاس وضعیت اقتصادی
نمودار 4-13 :	توزیع نرمال خرده مقیاس در امکانات
نمودار 4-14 :	توزیع نرمال مقیاس پایگاه اجتماعی
نمودار 4-15 :	توزیع نرمال مقیاس فرهنگ مرد سالاری
نمودار 4-16 :	توزیع نرمال مقیاس میزان تحصیلات

چکیده:

اشتغال در سال های اخیر به عنوان یکی از موضوعات مهم جامعه شناسی به ویژه در حوزه زنان مطرح شده است. با این وجود هنوز موانع و چالش های مهمی در زمینه اشتغال زنان وجود دارد. این موضوع در شهر ایلام به دلیل بافت سنتی و کمتر توسعه یافتگی مناطق شهری بیشتر به چشم می خورد. هدف از انجام این تحقیق بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان در شهر ایلام و ارائه راهکارها می باشد. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی است که به روش پیمایشی انجام شده است. نمونه گیری به روش خوشه ای و از میان جامعه آماری زنان شاغل و غیر شاغل شهرستان ایلام انتخاب شده و تعداد 384 زن به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردیدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش آمار توصیفی استفاده شده است. نتایج و یافته های تحقیق نشان می دهد که بین عقاید سنتی موجود در جامعه و وضعیت اشتغال زنان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان می دهد که بین تبعیض در امکانات و وضعیت اشتغال زنان رابطه وجود دارد. علاوه بر این مطابق با نتایج این تحقیق بین پایگاه اجتماعی زنان و وضعیت اشتغال آنها رابطه معنادار وجود داشته است. یافته های این تحقیق نشان داد که بین فرهنگ مرد سالاری در ایلام و اشتغال زنان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق گواهی آن است که بین میزان تحصیلات زنان در شهر ایلام و اشتغال آنها رابطه معنادار وجود دارد. اما یافته های تحقیق نشان می دهد که بین وضعیت اقتصادی زنان و وضعیت اشتغال آنها رابطه معنادار وجود ندارد.

کلید واژه ها: زنان ، اشتغال ، موانع اشتغال ، جامعه شناسی زنان، توانمند سازی زنان

فصل اول: کلیات تحقیق

با توجه به رشد و پیشرفت فرهنگ بشریت و ظهور اندیشه های نو، توجه به زنان و نقش آنان در تداوم حیات بشریت در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به چشم می خورد. اصلاحاتی که در قوانین اساسی و سایر قوانین مدون سرزمین ها صورت گرفته و تجدید نظراتی که در اصلاح این قوانین وجود دارد، حاکی از آغاز یک تجدید حیات فکری درباره ی موجودی به نام زن است که در این رابطه خود زنان نیز دارای نقش تعیین کننده ای می باشند چرا که توجه به زن توجه به اصلاح و تکامل جامعه و توسعه است. (هاشمی ، 1381، 113)

شناخت نیروی انسانی، یکی از ابزارهای پیشرفت سازمان ها و موفقیت آن ها در تحقق اهداف شان می باشد. اکنون که زنان هر روز نقش مهم تری را در صحنه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به عهده می گیرند، این امر می تواند به عنوان عاملی که نسبت ها را بر هم زده و جامعه را از حالت سکون اجتماعی به سوی افق اندیشه های نو هدایت می نماید، مطرح باشد. بدیهی است که در این حال، کشورهای مختلف می کوشند تا با توجه به حفظ اصول و با کنترل محیط و فرهنگ اجتماع خود از این نیروهای بالقوه اجتماعی عظیم در جامعه استفاده کنند، تا بتوانند از این رهگذر، جامعه را به سوی فعالیت های نو و نوسازی هر چه بیشتر بکشانند. این در حالی است، که تاریخ بشر بیانگر آن است که کار و کوشش زنان همواره عامل مهمی در رشد اقتصاد جوامع به شمار می آمده است. چنانچه ویل دورانت می گوید: «در اجتماعات ابتدایی قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است نه مردان، زیرا هنگامی که قرن های متوالی مردان دائماً با طریقه های کهن خود به شکار اشتغال داشتند، زنان در اطراف خیمه زراعت را ترقی داده و هزاران هنر خانگی را ایجاد کرده که هر یک روزی پایه صنایع مهمی شده است». (کدیور، 1378، 119)

علاوه بر این زنان به عنوان یکی از اقشار در معرض آسیب اجتماعی، بیش از سایرین در معرض تبعیض های اجتماعی و فشارهای روانی قرار می گیرند. در این میان، آن دسته از زنانی که به دلایلی، عهده دار مسئولیت های خانوادگی هستند در معرض آسیب بیشتری قرار دارند. این گروه عموماً شامل زنان سرپرست خانوار، دختران و زنان خود سرپرست می باشند که طی سال های اخیر تعداد آن ها به علل متعدد با بالا رفتن میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، مرگ و میر بیشتر مردان، مهاجرت های داخلی و خارجی و... روند افزایشی داشته است. براساس سرشماری سال 1385، 8/4 درصد کل خانوارهای ایرانی را زنان، سرپرستی می نمودند، بدین معنی که از هر 12 خانوار کشور، یک خانوار توسط زنان اداره می شده است. (گزارش سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1385)

بعد از جنگ جهانی دوم، بخصوص در سالیان اخیر زنان جهان به تلاش برای تغییر و تحول فرهنگ سنتی جوامع خود پرداختند. این کوشش‌ها باعث شد تا مسئله‌ای به عنوان دفاع از حقوق زنان در یک قالب جهانی مطرح شود تا جایی که این مسئله به عنوان یکی از موضوعات قابل توجه سازمان ملل مطرح شده است. در بین حقوق انسانی زنان، حق اشتغال یکی از مهم‌ترین مسائل هر جامعه بشری محسوب می‌شود زیرا زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. مسلماً این سه میلیارد نفر جمعیت نقش اساسی را در حیات اقتصادی، اجتماعی کشورها ایفا می‌کنند و مشارکت زنان در امور جامعه در واقع باعث فعال شدن نیمی از جمعیت غیر فعال از یک سو و بالابردن رشد فکری و اجتماعی زنان و پیشرفت جامعه از سوی دیگر می‌شود. بر همین اساس بسیاری از محققین و صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اشتغال در خارج از خانه و گسترش آن امری لازم و ضروری است، زیرا اشتغال زنان در رفع مسائل اجتماعی، نظیر بی‌سوادی، افزایش بی‌رویه جمعیت، متعادل کردن درآمد‌ها و رفع مشکلات اقتصادی و شکاف درآمدی بسیار مؤثر است و بدون مشارکت مطلوب زنان برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی با مشکل مواجه خواهد شد. (معینی، 17، 1380)

امروزه اشتغال زنان به مرور زمان تا حدود زیادی در جامعه پذیرفته شده است، اما در اغلب تحقیقات جامعه‌شناسی، چنان‌که باید و شاید به نقش اجتماعی زنان توجه نمی‌شود. علاوه بر این موانع و چالش‌های متعددی برای اشتغال زنان وجود دارد. در این تحقیق سعی شده است تا به بررسی این موانع و دشواری‌ها پرداخته شود.

بیان مسأله :

امروزه شاغل بودن زنان، یکی از مسائلی است که در اجتماع مطرح است و زنان به علل گوناگون به کار روی می‌آورند و حتی مجبور گشته‌اند علاوه بر مسئولیت‌های خود در خانه و تربیت فرزندان، مسئولیت‌های اجتماعی را نیز پذیرا گردند. در این جاست که ما با قشری به عنوان «زنان شاغل» روبه‌رو می‌شویم. افرادی که در دو جبهه‌ی مهم یعنی جامعه و خانواده مشغول خدمت و انجام وظیفه می‌باشند. (معیدفر، 1389)

در گذشته، زن، غالباً نقش مادر و همسر را به عهده داشت و به انجام امور خانه می‌پرداخت. اگر هم در اموری مانند کشاورزی و دامداری و امثال آن شرکت داشت، دامنه‌ی چنین مشارکت‌هایی در حدی بسیار محدود و منحصر به تأمین نیازهای خانواده بود. اما با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و پیچیده‌تر شدن

تقسیم کار، امروزه زنان علاوه بر ایفای نقش های فوق، پذیرای مسئولیت های عمده تر نظیر اشتغال در بیرون از خانه می باشند.

منظور از اشتغال، حرفه یا کاری است که فرد در عوض آن حقوق یا خدمتی دریافت می کند.

اشتغال زنان با پیشرفت جوامع، تغییر و تحول پیدا کرده است. ورود ماشین و صنعت بر اشتغال زنان اثر گذاشته و آنان را از مشاغل سنتی به سوی بخش های صنعتی سوق داده است. (سفیری، 1388)

نیل به تعادل های اساسی جغرافیایی، افزایش مشارکت های آگاهانه سیاسی و اجتماعی در برنامه ریزی های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور، ریشه کن کردن بی سوادگی و گسترش آموزش های فنی و حرفه ای با افزایش میزان اشتغال زنان و مشارکت های اقتصادی آنان، رابطه تنگاتنگ و در هم تنیده دارد و همین طور بهبود الگوی معیشتی خانواده، نحوه ی تنظیم روابط درون خانواده و تربیت فرزندان از جمله مواردی است که ارتباط نزدیک با میزان سواد و تحصیلات و مشارکت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان در بیرون از خانوار دارد. (راسک، 2008)

زنان باید در تصمیم گیری، به ویژه در امور مربوط به توزیع کار، منابع، درآمد و هزینه، مشارکت بیشتری پیدا کنند. چنین مشارکتی را باید هم از طریق سازمان هایی که خود زنان تشکیل می دهند و هم از راه عضویت آنها در سازمان های دیگر تشویق کرد.

در تقسیم بندی مشاغل، به مشاغل بخش های سنتی و کمتر توسعه یافته و بخش های نوین، مشاهده می شود که هر گاه مشاغل مربوط به امور آموزشی و درمانی را از قلمرو مقایسه خارج کنیم، اکثریت قریب به اتفاق فرصت های شغلی زنان در مشاغل سنتی و غیر متشکل است. آن چه در تحولات اخیر اشتغال زنان، بیش از هر نکته دیگر چشمگیر و قابل توجه می باشد، استقبال زنان از افزایش سطح تحصیلی و دسترسی به مشاغل جدید حرفه ای و فنی می باشد. گرایش زنان و دختران به تحصیلات و تخصص های فنی و حرفه ای، فرصتی است که می توان با استفاده صحیح از آن نه تنها مشکلات فعلی اشتغال را حل کرد، بلکه در جهت ایجاد تعادل بیشتر اجتماعی و فرهنگی از نظر تساوی حقوق زن و مرد و بهبود روابط خانوادگی، گام های بزرگی برداشت. (مرادیان، 1388)

امروزه زنان در ایران جایگاه و منزلتی دو گانه دارند از نظر شاخص های بهداشتی و آموزشی، زنان ایرانی در شرایطی به مراتب بهتر از اکثر کشورهای منطقه قرار دارند اما از نظر حضور در بازار کار و سهم درآمدی در میان کشورهای در حال توسعه رتبه پایینی دارند. (کریمی 1381:209)

با توجه به اینکه امروزه حضور گسترده تر و بیشتر زنان را در بازار کار نسبت به گذشته - البته با وضعیت نه چندان رضایت بخشی - شاهد هستیم با این وجود شاهد نظرات مبتنی بر تفکیک شغلی هستیم. تقریباً همه جا مکان کار را با توجه به جنسیت جدا می کنند یعنی همیشه زنان را در کارهای ساده و کم درآمد و اعتبار قبول می کنند و به همین نسبت ما شاهدیم در جاهایی که حقوق و موقعیت اجتماعی بالاتر می رود مردان را پذیرا می شوند. بعضی از صنایع را فقط مختص زنان می دانند مثل لباس دوزی یا کارهای الکترونیکی ، چون معتقدند زنان در این امور صبورتر و چالاک ترند . همین طور در کار های دفتری و خدماتی ما شاهد تجمع زنان هستیم و در کار های با پست بالاتر و کار های صنعتی ، تعداد زنان کاهش می یابند. تمهیدات دولت جهت زنان شاغل و سهل نمودن شرایط کاری و اشتغال آنان به کار های تخصصی با دستمزد بالاتر و امکانات رفاهی بیشتر، مشوق آنان به کار خواهد بود. (انصاری و ربانی ، 1387)

آشنا ساختن خانواده ها به تقسیم کار در داخل خانواده و مسئولیت پذیری اعضا و از سویی تشکیل مؤسسات و سازمان هایی که خدمات خانگی را ارائه دهند باعث می گردد زنان مشغله ی کمتری داشته باشند و به کارهای اساسی تر بپردازند و بدین طریق از این نیروی عظیم در جهت رشد و توسعه کشور بهره بیشتری عاید گردد. شهرستان ایلام از جمله شهرهایی است که مطابق آمارهای ارائه شده توسط وزارت کشور و استانداری این استان در مقایسه با استان های دیگر از نرخ رشد کمتری در زمینه اشتغال زنان برخوردار است. به نظر می رسد برخی محدودیت ها و تنگناهای فرهنگی و اجتماعی در این زمینه دخیل هستند که در این تحقیق مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرند. بر این اساس سؤال آغازین و اصلی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد این است که اساساً موانع فرهنگی و اجتماعی تأثیر گذار در اشتغال زنان در شهر ایلام کدام است ؟ و چه راهکارهای کاربردی و عملی را می توان برای کاهش این موانع ارائه نمود؟

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق :

اشتغال زنان علاوه بر این که می تواند در رشد و توسعه جامعه نقش تعیین کننده ای داشته باشد ، می تواند بر سلامت خانواده ها تأثیر گذاشته و اساساً به عنوان یکی از فاکتورهای رشد و توسعه خانواده ها به شمار رود. از این رو شناسایی موانع و مشکلات اشتغال زنان از اهمیت خاصی برخوردار است.

از سوی دیگر با بررسی های به عمل آمده مشخص گردید در زمینه بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان در شهر ایلام تاکنون در کشورمان تحقیقات بسیار اندکی صورت گرفته و به نوعی با خلأها و کمبودهای تحقیقاتی مواجه هستیم و امید می رود انجام این تحقیق بتواند تا حدودی این نقیصه را برطرف نماید. علاوه بر این نتایج و یافته های این تحقیق می تواند مورد استفاده محققان و کارشناسان علوم اجتماعی در این استان قرار گیرد.

اهداف تحقیق:

الف) هدف کلی:

هدف کلی این تحقیق کسب شناخت نسبت به موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان در شهر ایلام و ارائه ی راهکارها و پیشنهادات کاربردی در این زمینه است.

ب) اهداف فرعی :

1. تعیین رابطه بین عقاید سنتی موجود در جامعه و وضعیت اشتغال زنان در شهر ایلام
2. تعیین رابطه بین وضعیت اقتصادی زنان و وضعیت اشتغال زنان در شهر ایلام
3. تعیین رابطه بین تبعیض در امکانات و وضعیت اشتغال زنان در شهر ایلام
4. تعیین رابطه بین پایگاه اجتماعی زنان و وضعیت اشتغال زنان در شهر ایلام
5. تعیین رابطه بین فرهنگ مرد سالاری در ایلام و اشتغال زنان
6. تعیین رابطه بین میزان تحصیلات زنان در شهر ایلام و اشتغال آن ها

فرضیه ها:

1. به نظر می رسد بین میزان عقاید سنتی موجود در جامعه و میزان وضعیت اشتغال زنان رابطه معنادار وجود دارد.
2. به نظر می رسد بین میزان وضعیت اقتصادی زنان و میزان وضعیت اشتغال زنان رابطه وجود دارد.
3. به نظر می رسد بین میزان تبعیض در امکانات و میزان وضعیت اشتغال زنان رابطه وجود دارد.
4. به نظر می رسد بین میزان پایگاه اجتماعی زنان و میزان وضعیت اشتغال زنان رابطه وجود دارد.
5. به نظر می رسد بین میزان فرهنگ مرد سالاری در ایلام و میزان اشتغال زنان رابطه معنادار وجود دارد.
6. به نظر می رسد بین میزان تحصیلات زنان در شهر ایلام و میزان اشتغال آن ها رابطه معنادار وجود دارد.

سؤال اساسی تحقیق :

موانع فرهنگی و اجتماعی تأثیر گذار در اشتغال زنان در شهر ایلام کدام است و چه راهکارهایی را می توان برای آن در نظر گرفت؟

سایر سؤالات :

1. آیا بین عقاید سنتی موجود در جامعه و وضعیت اشتغال زنان رابطه معنادار وجود دارد.؟

2. آیا بین وضعیت اقتصادی زنان و وضعیت اشتغال زنان رابطه وجود دارد؟
3. آیا بین تبعیض در امکانات و وضعیت اشتغال زنان رابطه وجود دارد؟
4. آیا بین پایگاه اجتماعی زنان و وضعیت اشتغال زنان رابطه وجود دارد؟
5. آیا بین فرهنگ مرد سالاری در ایلام و اشتغال زنان رابطه معنادار وجود دارد؟
6. آیا بین میزان تحصیلات زنان در شهر ایلام و اشتغال آن ها رابطه معنادار وجود دارد؟

متغیر مستقل و وابسته:

در این تحقیق موانع فرهنگی و اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و اشتغال زنان در شهر ایلام به عنوان متغیر وابسته مطرح می باشد.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها:

عقاید سنتی: (تعریف نظری) منظور از عقاید سنتی ، پایبندی و احترام به برخی هنجارها و قوانین عرفی شده در یک جامعه می باشد.

تعریف عملیاتی: به منظور سنجش تأثیر عقاید سنتی بر اشتغال زنان از 5 سؤال بسته پاسخ استفاده شده است و نمره پاسخگویان نشان دهنده تأثیر این مانع می باشد.

وضعیت اقتصادی: منظور از وضعیت اقتصادی بررسی میزان درآمد ماهیانه پاسخگویان می باشد که از طریق یک سؤال بسته پاسخ مورد سنجش قرار گرفته است.

پایگاه اجتماعی: منظور از پایگاه اجتماعی ، منزلت و جایگاهی است که فرد در یک اجتماع از آن برخوردار است.

به منظور سنجش پایگاه اجتماعی پاسخگویان در این تحقیق از سه سؤال پیرامون تحصیلات ، اشتغال و درآمد آن ها سؤال شده است و نمره پاسخگویان نشان دهنده پایگاه اجتماعی آن ها به شمار می رود. پایگاه اجتماعی پاسخگویان در سه طبقه پایگاه بالا ، متوسط و پایگاه اجتماعی پایین مورد سنجش قرار گرفته است.

فرهنگ مرد سالاری: این فرهنگ با قدرت مطلق مرد در خانواده ، تصمیم گیری یک سویه توسط مردان و عدم مشارکت اعضای خانواده در تصمیم گیری ها مشخص می گردد.

به منظور سنجش تأثیر فرهنگ مرد سالاری بر اشتغال زنان در این تحقیق ، از 5 سؤال بسته پاسخ استفاده شده است و نمره پاسخگویان نشان دهنده میزان این تأثیر است.

تحصیلات: منظور از تحصیلات تعداد سال هایی است که فرد به تحصیل پرداخته و مدرک تحصیلی دریافت نموده است و برای سنجش میزان تحصیلات پاسخگویان نیز در این تحقیق از یک سؤال بسته پاسخ استفاده شده است.

فصل دوم:

ادبیات تحقیق و پیشینه

تاریخ اشتغال زنان به زمان پدید آمدن بشر بر می گردد. از همان ابتدا زنان هم پای مردان به فعالیت مشغول بودند و دوشادوش مردان در کارهای تولیدی و کشاورزی و تأمین مایحتاج خانواده شرکت می کردند و علاوه بر این اداره امور منزل و تربیت فرزندان نیز به عهده آنان بود.

تاریخ کار زنان نشان می دهد که زنان همواره با فرزندآوری به اقسام فعالیت ها، اشتغال داشته اند. هم فعالیت هایی که زنانه بوده و هم فعالیت هایی که امروزه به عنوان مشاغل مردانه و طاقت فرسا شناخته می شوند. زنان برده یونانی در معادن نقره و آهن کار می کردند، سنگ آهن را به آسیاب می بردند و می شستند. اکثریت زنان در صنایع نساجی مشغول به کار بودند و عده دیگری در پشم چینی و آماده سازی پشم و ریسندگی و بافندگی نقش داشتند. دسته دیگر در صنایع دستی و به خصوص با طلا کار می کردند. تا پیش از پیدایش آسیاب های آبی زنان آسیاب های دستی را می چرخاندند. تا اواخر قرن 13 فعالیت هایی مانند بافندگی، ریسندگی، تزیین پارچه و لباس شغل زنان بود. (باقریان، 1389: 15)

در قرون وسطی زنان کتابت می کردند و زنان کاتب و پزشک، بسیار وجود داشت حتی در برخی مشاغل مانند کفافی و کمر بند سازی و قفل سازی و... نیز زنان پس از فوت همسر به مقام استادکاری می رسیدند. از اوایل قرن 15 زنان اروپا رفته رفته از اصناف بیرون رانده شدند و تا اواخر قرن 16 نقش آن ها در این رشته فعالیت ها به کلی از بین رفت. زنان تا به امروز غیر از خانه داری در امور مختلف کشاورزی، صنایع دستی و حتی در امور نظامی دوش به دوش مردان مشغول فعالیت بوده اند ولی در دوره هایی که خانواده یک واحد اقتصادی نیز به حساب می آمده، فعالیت های تولیدی زنان که در خانه یا نزدیکی آن انجام گرفته جزء امور خانگی محسوب شده و زن در ازای آن کارمزدی دریافت نمی کرده است. این رویدادها ریشه های مذهبی - اقتصادی داشت و ناشی از اصطلاحاتی بود که بر پایه آن زن می بایست فقط در محدوده خانه و تحت نظر و وابسته به مرد زندگی کند. (توسلی، 1385: 27)

با وقوع انقلاب صنعتی در اروپای غربی و تبدیل کارگاه های خانگی به کارخانه و تبدیل نیروی انسانی به نیروی ماشین، تحولات اساسی در شکل و مفهوم کار به وجود آمد و فعالیت های اساسی زنان از خانه به کارخانه کشیده شد. زنان زحمتکش اروپا که در مرحله تولید، بخش قابل توجهی از کارگران را تشکیل می دادند اولین زنانی بودند که به علت فقر با کار خارج از خانه آشنا شدند. (پورات، 1385: 50)

در کشورهای پیشرفته بعد از انقلاب صنعتی به طور مداوم بر مشارکت زنان در تولید افزوده شد. برای مثال در سال 1900 تنها 20 درصد زنان در تولید شرکت داشتند این نسبت در سال 1972 به 43/8 درصد افزایش یافت. در سال 1960 نرخ مشارکت زنان بین 2 تا 2/1 درصد در نوسان بود که کمترین نرخ مشارکت مربوط به عمان و بالاترین نرخ مشارکت مربوط به سوریه بود. به هر صورت مشارکت زنان در بازار کار بسیار زیاد بود چون اکثریت زنان مجرد کار می کردند و در برخی سال های سده نوزدهم شمار آن ها به یک چهارم کل زنان می رسید. (آبوت، لکروالاس، 1380:180)

موضوع اشتغال زنان همواره در جوامع به عنوان یکی از مهم ترین موضوعات و دغدغه های مدیران مطرح بوده است. در این میان زنان برای یافتن شغل و حق اشتغال با چالش ها و موانع متعددی مواجه هستند که در این فصل به آن ها پرداخته شده است. از آن جا که موضوع اشتغال زنان به طور مستقیم با مشارکت آن ها رابطه تنگاتنگی دارد، در ابتدا به این مهم اشاره شده است. در این فصل همچنین به بیان مدل تحقیق و پیشینه و سوابق مربوط به موضوع پرداخته شده است.

مشارکت زنان در اشتغال:

از اوایل دهه 1970 رویکردهای مشارکتی به توسعه، برای مشارکت زنان، مورد توجه فزاینده قرار گرفته است. در سطح بین المللی، اهمیت مشارکت زنان، هم به عنوان یک وسیله و هم به عنوان یکی از هدف های توسعه مورد توجه است. مفهوم «مشارکت» نیز مانند مفهوم «توسعه»، صرف نظر از همه تعاریف آن، دارای ابهام های زیادی است. یک کاربرد واژه «مشارکت» به بسیج مردم برای برعهده گرفتن طرح های توسعه اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد. (ادامتو، 2001، ص 62)

گامی سه عنصر اصلی مشارکت را به قرار ذیل تعریف می کند:

«تقسیم قدرت و منابع کمیاب»، «کوشش های آگاهانه و عمدی گروه های اجتماعی برای کنترل سرنوشت و بهبود شرایط زندگی خویش» و «ایجاد فرصت ها در سطوح پایین». بنابراین، یک وجه اختیار دادن، عبارت است از: یک کاسه کردن منابع برای کسب استحکام جمعی و قدرت مقابله. وجه دیگر آن افزایش مهارت های دستی و حتی صلاحیت مدیریت و برنامه ریزی و توانمندی فکری و تحلیلی مردم است. (ادامتو، 2001، ص 62)

اتکینسون و بریچ (20072) به نقل از میلر، عوامل مشارکت را به دو دسته نیروهای مثبت و منفی تقسیم می‌کند:

الف. نیروهای مثبت⁽¹⁾

1. نیازهای حیاتی؛
2. تغییرات صنعتی؛
3. نیازهای ایمنی در فرهنگ زنان؛
4. تلاش‌های دولت برای تغییر ساختار فرصت‌ها؛
5. نیاز قوی به مقام؛
6. دستیابی به ابزار سازمانی؛
7. سلائق شغلی قابل قبول؛

ب. نیروهای منفی⁽²⁾

1. جهت‌گیری عملکرد - انگیزش در فرهنگ مردانه؛
2. خصومت با هدف‌گرایی طبقه متوسط؛
3. فقدان نسبی فرصت‌های شغلی فوری پس از آموزش؛
4. دسترسی محدود به ابزار سازمانی؛
5. ساختار ضعیف خانواده. (دانش، 1382، ص 114)

1. Positive Forces.

2. Negative Forces.